علم الشواکل و الهیاکل

علامه زرآبادی

مجموعه علمی میراث الرموز
@MIRAS_ROMOOZ

سرهنگ امین رئیس وقت شهربانی قزوین در زمان رضاخان با حکم جلب از تهران نزد مرحوم آقا

سید موسی زرآبادی رفت تا او را دستگیر کند و به تهران ببرد.

(به علت مخالفت مرحوم زرآبادی، رفتار و عملکرد پهلوی در قبال اسلام و مردم بود) او به منزل

مرحوم زرآبادی آمد و نشست ولی هنوز حرفی به زبان نیاورده و مأموریت خود را علنی نساخته بود که

آقا سید موسی رو به او کرد و گفت:

این پرنده (کلاغ) بالای

درخت داخل باغچه را میبینی؟

گفت: آری گفت: آن را

در دل خودت در نظر بگیر.

مجموعه علمی میراث الرموز

@MIRAS_ROMOOZ

او همین کار را کرد بعد مرحوم زرآبادی تصویر پرنده را روی کاغذ کشید و یک

مثلث هم در داخل تصویر روی شکم پرنده کشید و لوح اسمی از اسماء را

ترسیم کرد آن گاه روی کاغذ با قلم گردن پرنده را برید در همان لحظه پرنده واقعی

که در باغچه بالای درخت بود گردنش بریده شد و به زمین افتاد و پر پر زد و مرد!

مجموعه علمی میراث الرموز
@MIRAS_ROMOOZ

مرحوم آقا به سرهنگ فرمودند:

برو به مقامات کشور بگو این کار جهت تذکر به کسانی که در تهران هستند بود که بی جهت اذیت و آزار می کنند؛ به شمانشان دادم که اگر ادامه دهید با مقامات عالیه شما در تهران همین کار را خواهم کرد.

سرهنگ موضوع واقعه و مشاهدات خودرا به تهران گزارش کرد و کسب تکلیف نمود به او پاسخ دادند با سید کاری نداشته باش و رهایش کن.

مجموعه علمی میراث الرموز
@MIRAS_ROMOOZ